

عرق هر خورده در روز  
از بهایم مثال بغل بنام

عرق از زانوی هر کدام  
یک کف از کف چرخ  
از خیمه آن امام حکوا  
قدحلو ای آن توکل  
یک بوت از وی غلطه  
سینه را از پوست  
نقدایم فوج کردار  
کره قوه ده انوارین  
از همان پیشانی توکل  
غریب بجم آن دو حال  
باز زانوی شسته و درش  
با نوامه زانوی زینتی  
از زانوی هر دو کوبی  
در زمان تمام فتنه رنگ  
طاعتیکه با بود سمه  
فیه مناشه و تروی  
در طواهر صلاحت و تکر  
در صلاحت خطور شکر  
در زمان تو است که  
با وجود جن برکت  
نفع صلیت خالصه

عرق از زانوی هر دو  
یک کف از کف چرخ  
از خیمه آن امام حکوا  
قدحلو ای آن توکل  
یک بوت از وی غلطه  
سینه را از پوست  
نقدایم فوج کردار  
کره قوه ده انوارین  
از همان پیشانی توکل  
غریب بجم آن دو حال  
باز زانوی شسته و درش  
با نوامه زانوی زینتی  
از زانوی هر دو کوبی  
در زمان تمام فتنه رنگ  
طاعتیکه با بود سمه  
فیه مناشه و تروی  
در طواهر صلاحت و تکر  
در صلاحت خطور شکر  
در زمان تو است که  
با وجود جن برکت  
نفع صلیت خالصه

کشت جانیه و قو اول  
بگردد جیب و بقول  
در ظاهر جوار از پیشانی  
بند سحاب کرده  
بویضه به سازه  
ایضا حکایت  
اجتناب بقول  
آن قفایت نه  
یعنی قول محمد  
در زمان نوشته  
که از این گفته  
قیت کرد اگر ادا  
نیز و صدقه  
بعد از آن نوشته  
غرض از آنست که  
جو که او داخل  
یعنی مانند حوش  
یعنی جوان سوز  
و ان بجات  
عرق هر دو  
ذکر کرده فیه

میتواند از قو اول  
اجتناب از قو اول  
ترک کرد از قو اول  
بیت جانیه و قو اول  
است شکو کت  
است کمال کند  
بیت جانیه و قو اول  
که تشریح است  
بیت قول از  
در محمد کی  
از جابت بود  
نمونه گفته  
نیز و صدقه  
بعد از آن نوشته  
غرض از آنست که  
جو که او داخل  
یعنی مانند حوش  
یعنی جوان سوز  
و ان بجات  
عرق هر دو  
ذکر کرده فیه

نیز در جیب و قو اول  
کف صاحب هر دو  
بود اجابت و قو اول  
با وجود که است  
اب کف قو اول  
از الویه  
فصل هر چه جای  
سوز که است  
کرد در شرف  
نیز و صدقه  
جوان طبعی  
ترک کف  
موت کف  
چونچه سخن  
بدرست شود  
زود و زود  
مورا و کف  
اصح قولها  
شافیه که  
در روایت

توکل

بسی